جهان‌نما

توافق مدیترانه‌ای بیروت و تل‌آویو

پس از حدود ۲دهه کشمکش بر سر تعیین خط مرز دریایی میان لبنان و فلسطین اشغالی، دوطرف به یک توافق تاریخی دست پیدا کردند

تل‌آویو و بیروت با وجود سال‌ها کش و قوس و هشدارهای لفظی متقابل، سرانجام دیروز تأیید کردند که توانسته‌اند بر سر مناقشه مربوط به یک میدان گازی در دریای مدیترانه به توافق دست یابند. در تل‌آویو «یائیر لاپید»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دستیابی به یک راه‌حل بر سر حوزه گازی مشترک با لبنان را اینگونه اعلام کرد: «این یک دستاورد تاریخی است که امنیت ما را تقویت و ثبات مرز شمالی ما را تضمین می‌کند.» همچنین در بیروت دفتر ریاست‌جمهوری لبنان در بیانیه‌ای نوشت: «میشل عون پیش‌نویس نهایی آموس هوخشتاین، نماینده آمریکا، را راضی‌کننده دانسته است.»

لبنان و رژیم صهیونیستی دارای روابط سیاسی نیستند و از نظر حقوقی و فنی دوطرف همچنان در وضعیت جنگی به سر می‌برند. از سال گذشته که تنش‌ها میان آنها بر سر حوزه گازی «کاریش» بار دیگر بالا گرفت، هوخشتاین که مشاور ارشد وزارت خارجه آمریکا در زمینه امنیت جهانی انرژی است، به‌عنوان میانجی در این تنش ایفای نقش کرد و اکنون نیز آنچه مورد توافق دوطرف واقع شده، متنی است که از سوی او با دریافت نظرات مقام‌های بیروت و تل‌آویو تهیه شده است. این پیش‌نویس در ابتدا از سوی لبنان رد شد. لبنانی‌ها خواستار افزوده شدن بندهای مورد نظرشان در متن بودند. پیش‌نویس نهایی با گنجاندن بندهای مورد نظر لبنان پذیرفته شد. خبرگزاری فرانسه دیروز در گزارشی به نقل از مقام‌های لبنانی آگاه به مذاکرات نوشته است که در توافق نهایی، بیشتر خواسته‌های بیروت گنجانده شده است. الیاس بوصعب، معاون رئیس مجلس لبنان چهارشنبه گذشته گفته بود که لبنان حقوق کامل خود را به دست آورده و همه درخواست‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

حزب‌الله تاکنون واکنش رسمی به موافقت دولت لبنان برای توافق نداشته، اما قبل از آن گفته بود که با مواضع دولت لبنان موافقت خواهد کرد.

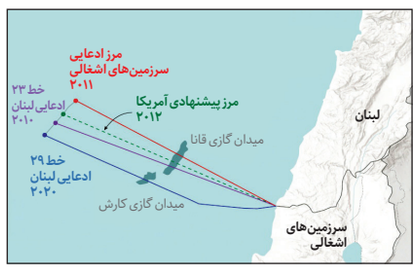

خط قرمز و آبی

از آنجا که مرز لبنان و فلسطین اشغالی در بخش دریایی تاکنون مشخص نبوده، طی سال‌های گذشته تحرکاتی برای تعیین این خط مرزی صورت گرفته بود. ریشه‌های بحران به سال ۲۰۱۱ بازمی‌گردد؛ زمانی که لبنان تعیین مختصات مرزهای دریایی جنوبی خود را به سازمان ملل سپرد. در سال ۲۰۱۲، «فردریک هوف»، میانجی آمریکایی، پیشنهاد تقسیم منطقه مورد مناقشه و اعطای ۴۹۰کیلومترمربع به لبنان و ۳۷۰کیلومترمربع به رژیم صهیونیستی را داد، اما لبنان آن را رد کرد. منطقه مورد مناقشه مرزی در مجاورت سواحل جنوب لبنان براساس ارزیابی سازمان زمین‌شناسی آمریکا دارای ۱,۷میلیارد بشکه نفت و ۳۴,۵تریلیون مترمکعب گاز است، به‌ویژه در ۲ میدان گازی اصلی؛ یکی «قانا» و دیگری «کاریش» که عمده اختلافات نیز بر سر چگونگی مالکیت این دو میدان گازی بوده است.

ارتش لبنان طی سال‌های اخیر نقشه‌ای را منتشر کرده که پیچیدگی اختلاف بر سر تعیین خط مرزی آبی را مشخص می‌کند. خط نارنجی، مرزی است که تل‌آویو سال‌ها قبل پیشنهاد داده است. این خط بخش کوچکی از قانا را به لبنان می‌دهد، اما قسمت اعظم میادین گازی و نفتی را در منطقه انحصاری اقتصادی رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد. این خط اما مورد پذیرش لبنان نبوده است. ۲ خط دیگر را لبنان در مقاطع مختلف مطرح کرده است؛ یکی خط معروف به ۲۳ که این کشور در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان مرز دریایی انتخاب و آن را به سازمان ملل رسما اعلام کرد و دیگری خط ۲۹ که سال ۲۰۲۰ و با شروع مذاکرات آن را درخواست کرد.

براساس آنچه خبرگزاری فرانسه گزارش داده است، در توافق جدید، تمام میدان کاریش تحت کنترل تل‌آویو قرار می‌گیرد و در مقابل میدان قانا به‌طور کامل تحت کنترل لبنان خواهد بود. مبنای مرز دریایی نیز خط مستقیم ۲۳ خواهد بود، اما این خط در میانه تقسیم ۲حوزه گازی به‌صورت منحنی خواهد بود.

نقش حزب‌الله

کشف گاز برای لبنان که از سال ۲۰۱۹ در بحران مالی فرو رفته است، یک موهبت بزرگ خواهد بود. چنین منبعی می‌تواند بخشی از انرژی مورد نیاز لبنان برای تامین برق را فراهم کند، اما لبنان برای صادرات گاز راهی طولانی در پیش خواهد داشت. بی‌بی‌سی در این ارتباط نوشت: شاید ۵ تا ۶ سال طول بکشد که لبنان پس از توافق بتواند گاز استخراجی را به مرحله صادرات برساند.

دستیابی به چنین توافقی در ابتدای مناقشات کمی دور از انتظار به‌نظر می‌رسید و حتی تل‌آویو تجهیزاتی را برای استخراج گاز در منطقه مورد مناقشه مستقر کرده بود؛ هرچند این اقدام با واکنش بسیار تند حزب‌الله لبنان روبه‌رو شد. ارسال پهپادهای حزب‌الله بر فراز این میدان گازی یکی از صریح‌ترین هشدارهایی بود که می‌توانست تا حد یک جنگ تمام عیار برای دوطرف پیش رود. سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله نیز طی ماه‌های اخیر در سخنرانی‌های مختلف صراحتا اعلام کرد که درصورت شکست مذاکرات، این گروه مانع هرگونه برداشت گاز از میدان کاریش خواهد شد.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر سابق، یائیر لاپید، نخست‌وزیر فعلی را متهم به تسلیم در برابر حزب‌الله لبنان کرده است. در بیروت، جبران باسل، رئیس جریان آزاد ملی لبنان در واکنش به توافق مرزی اخیر گفته است: حزب‌الله در پرونده مرزبندی، معادله قدرت را به‌نفع لبنان تغییر داد.

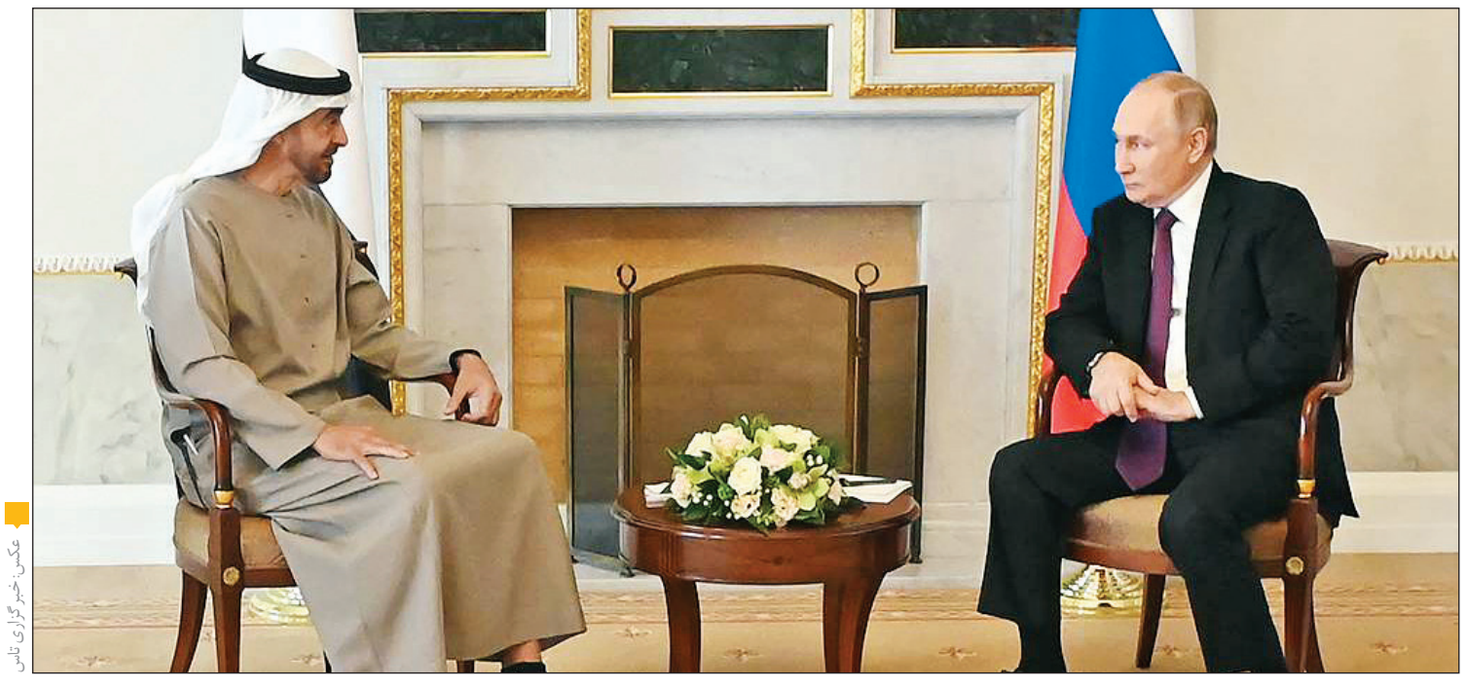
عکس: خبرگزاری تاس

موازنه‌سازی به وقت سن‌پترزبورگ

سفر بن زاید به روسیه، تازه‌ترین گام اعراب در مسیر خروج از حوزه نفوذ آمریکا و موازنه‌سازی میان شرق و غرب است

گزارش

یک‌هفته پس از تصمیم سازمان اوپک برای کاهش تولید ۲میلیون بشکه نفت در روز، شیخ محمد بن زاید آل‌نهیان رئیس امارات متحده عربی، برای دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به مسکو سفر کرد. دیدار دیروز سران ۲کشور در سن‌پترزبورگ، در بحبوحه تشدید جنگ اوکراین گمانه‌زنی‌ها درباره حمایت کشورهای عربی از روسیه را داغ‌تر از همیشه کرده است. به اعتقاد ناظران، جنگ اوکراین به ترویج روایت نظم جدید جهانی کمک کرد؛ نظمی که در آن شاهد رشد نفوذ اقتصادی چین و توسعه ژئوپلیتیک روسیه هستیم و جهان عرب با آغوش باز به استقبال آن رفته است.

هفته گذشته سازمان اوپک به‌رغم فشارهای آمریکا با هدف جلوگیری از کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی با کاهش چشمگیر تولید نفت موافقت کرد؛ اقدامی که خشم واشنگتن را برانگیخت. از آنجایی که آمریکا و متحدان اروپایی‌اش به‌دنبال تحریم نفت روسیه به‌دلیل جنگ اوکراین هستند، اغلب ناظران غربی این تصمیم اوپک را اقدامی در راستای حمایت از مسکو تفسیر کرده‌اند. سفر محمد بن زاید به روسیه در حالی انجام می‌شود که به اذعان بسیاری از رسانه‌های منطقه از جمله شبکه الجزیره، تصمیم هفته گذشته اوپک روابط واشنگتن و متحدان سنتی‌اش در خلیج‌فارس به‌ویژه ریاض و ابوظبی را تیره کرده است.

امارات متحده عربی از جمله کشورهایی است که در قبال عملیات روسیه در اوکراین موضع بی‌طرفی خود را حفظ کرده است. به اعتقاد ناظران، مواضع امارات به‌عنوان یکی از شرکای سنتی آمریکا در خلیج‌فارس نسبت به جنگ اوکراین نشان می‌دهد ابوظبی تلاش دارد تا در نظم جدید جهانی میان قدرت‌های بزرگ توازن برقرار کند؛ نظمی که در آن روسیه و چین به اندازه متحدان غربی برای کشورهای خلیج‌فارس اهمیت دارند و کشورهای عربی به نوعی به سمت موازنه‌سازی روابط خود گام برمی‌دارند.

روابط روسیه و کشورهای عرب

اما این تنها امارات متحده عربی نیست که همزمان با تشدید دوقطبی شرق و غرب در جهان امروز، روابط نزدیکی با روسیه دارد. احمد عادل، کارشناس ژئوپلیتیک و اقتصاد سیاسی مقیم قاهره، در مطلبی که در وب‌سایت گروه بریکس منتشر شده، می‌نویسد: زمانی که پوتین پس از همه‌پرسی در مناطق شرقی اوکراین، دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپروژیا را به خاک فدراسیون روسیه ضمیمه کرد، صدای اعتراض غرب بلند شد اما کشورهای عربی یک موضع متعادل را ترجیح دادند. آنها تاکنون نه اقدام روسیه را تأیید و نه محکوم کرده‌اند و احتمالا در آینده نیز ترجیح خواهند داد که همین سیاست را ادامه دهند. در واقع، انعکاس رابطه نزدیک روسیه با کشورهای عربی را می‌شود در مواضع آنان نسبت به غائله اوکراین دید. عربستان، امارات و مصر تاکنون حاضر نشده‌اند تا در برابر فشارهای آمریکا برای قطع روابط با روسیه و اعمال تحریم‌های غرب علیه این کشور تسلیم شوند. گرچه برای کشورهای عربی رابطه با آمریکا هنوز هم مهم است اما نه‌تنها از دستورات واشنگتن برای منع ارتباط با روسیه پیروی نمی‌کنند، بلکه به‌دنبال تعمیق روابط خود با مسکو هستند. گفته شده، صندوق سرمایه‌گذاری سعودی که توسط الولید بن طلال شاهزاده سعودی اداره می‌شود در ماه‌های فوریه تا مارس سال جاری میلادی بیش از ۵۰۰میلیون دلار در شرکت‌های بزرگ انرژی روسیه سرمایه‌گذاری کرده است.

همزمان عربستان سعودی و امارات متحده از جمله کشورهایی هستند که به‌طور جدی دلارزدایی از معاملات تجاری خود را دنبال کرده و شرکای تجاری خود را به استفاده از یوان چین، روپیه هند و روبل روسیه ترغیب و تشویق می‌کنند. به گفته کارشناسان اقتصادی، در شرایطی که ایران و ونزوئلا برای صادرات نفت‌شان یوان می‌پذیرند و هند نیز برای واردات نفت خام روپیه می‌پردازد اگر چین هم پول واردات ۱۳میلیون بشکه نفت خود را به یوان پرداخت کند و روسیه نیز پول صادرات ۸میلیون بشکه نفت خود را در روز به روبل دریافت کند، پترو دلار (دلار نفتی) حدودا ۴۸درصد از تجارت جهانی نفت را از دست خواهد داد. دلار نفتی هسته اصلی نظام مالی آمریکاست و با تضعیف دلار نفتی، نظام مالی آمریکا و در نتیجه اقتصاد این کشور نیز تضعیف خواهد شد.

مصر هم به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای عربی به‌دنبال کاهش وابستگی خود به دلار آمریکاست. فخری الفکی، رئیس کمیته برنامه‌ریزی و بودجه در مجلس نمایندگان مصر، گفته که قاهره به‌زودی از کارت‌های بانکی روسی «میر» و مبادله به روبل روسیه در نظام بانکداری خود استفاده خواهد کرد. یکی از مقام‌های ارشد بانک مرکزی مصر به وب‌سایت المانیتور توضیح داده که قاهره برای تنوع بخشیدن به منابع ارزهای خارجی خود و کاهش وابستگی به دلار آمریکا تصمیم گرفته تا از روبل روسیه استفاده کند.

احمد عادل در پایان تحلیل خود می‌نویسد: «کشورهای مهم عربی درک می‌کنند که نظام جهانی فعلی به‌ویژه به‌دلیل جنگ اوکراین به سرعت در حال تغییر است و آنها ۲انتخاب پیش‌رو دارند: یا می‌توانند خود را با واقعیت‌های جدید وفق دهند، یا در تلاش برای دفاع از نظام تک‌قطبی با مرکزیت آمریکا غرق شوند. کشورهای عربی امروز به جای خدمت کردن به منافع آمریکا، منافع خودشان را دنبال می‌کنند؛ بر همین اساس به‌دنبال تعمیق روابط خود با روسیه هستند و تهدیدهای غرب نیز آنان را نمی‌ترساند.»

چرا جهان عرب از پوتین حمایت می‌کند؟

آمر صلاح، تحلیل‌گر و محقق مصری، نیز در تحلیلی که چندی پیش در وب‌سایت اندیشکده کارنگی منتشر شده به دلایل حمایت کشورهای عربی از پوتین در جنگ اوکراین پرداخته و نوشته: از سال ۲۰۱۱ تاکنون واکنش‌های جهان عرب به تحولات سیاسی در بستری کاملا دوقطبی شکل گرفته است؛ پدیده‌ای که به نوعی در موضع‌گیری‌ها نسبت به جنگ اوکراین نیز مشاهده می‌شود. درحالی‌که بخشی از افکار عمومی جهان عرب قیام‌ها و ناآرامی‌ها در کشورهای عربی را نتیجه اجتناب‌ناپذیر چند دهه استبداد حاکم بر منطقه می‌دانند؛ گروهی نیز معتقدند که رد پای غرب در انقلاب‌های عربی کاملا پیداست و در واقع عامل وخامت تنش‌های سیاسی در کشورهای عربی را سیاستمداران غربی می‌دانند.

در این روایت دوم است که ولادیمیر پوتین به‌عنوان سیاستمداری الهام‌بخش مطرح می‌شود؛ کسی که با استفاده از مشت آهنین این قابلیت را دارد تا تضادها را کنترل کرده، امنیت ملی کشورش را در اولویت قرار داده و نوسازی جامعه را از بالا به پایین اجرا کند. این همان منطقی بود که افسران نظامی در حمایت از به قدرت رسیدن عبدالفتاح السیسی (رئیس‌جمهوری نظامی مصر) داشتند. از نگاه طیفی از افکار عمومی جهان عرب و رهبران سیاسی این منطقه، پوتین کسی است که توانسته کشورش را از هرج و مرج اصلاحات اقتصادی پروسترویکایی که با سازماندهی رهبران غربی و توسط میخائیل گورباچف با هدف تجزیه اتحاد جماهیر شوروی سازماندهی شده بود، بیرون بکشد. حامیان روایت دوم بر این باورند که رهبران غربی با سازماندهی قیام‌های ۲۰۱۱ هدف مشابهی را در جهان عرب دنبال می‌کردند. علاوه‌بر این، از نظر آنان پوتین رهبری است که توانسته توطئه دمکراسی‌سازی غرب در اروپای‌شرقی را به چالش بکشد، غرب را به انرژی روسیه وابسته کند، پایه‌های دولت بشار اسد در سوریه را با وجود مخالفت تمام‌عیار کشورهای غربی تثبیت کند و با گروه‌های تندروی جهادی مقابله کند. به اعتقاد حامیان روایت دوم، پوتین فقط یک «دوست» نیست بلکه دشمن یک «دشمن» است. از نظر آنان حکومتداری پوتین نمونه موفقی از حرکت یک دولت ضعیف به‌سوی دولتی مقتدر است؛ بنابراین اگر اعراب به‌دنبال آینده متفاوتی هستند باید الگوی پوتین را دنبال کنند.

حمایت جهان عرب از پوتین یک دلیل دیگر هم دارد؛ واکنش‌های رسمی غرب به حمله روسیه به اوکراین. از نظر حامیان پوتین، واکنش‌های غرب به بحران اوکراین نمونه آشکار استانداردهای دوگانه و گفتمان متناقض آنان درباره بحران‌های عربی بوده است. در مورد اوکراین، کشورهای بزرگ غربی جنگ روسیه را تهاجمی توصیف کردند که قوانین بین‌المللی را نقض کرده است. به‌گفته آنان، از آنجایی که الحاق مناطق شرقی اوکراین به خاک روسیه غیرقانونی است پس به سرعت باید از تمام پتانسیل‌های بین‌المللی برای تشدید فشارها بر روسیه استفاده کرد؛ از جمله حق ارسال تسلیحات برای اوکراین، حمایت از حق اوکراین برای استفاده از زور علیه نیروی متجاوز، ارسال پرونده روسیه به دادگاه کیفری بین‌المللی و منزوی کردن مسکو از طریق تحریم‌های نظام مالی و بانکی جهان. اما در مقابل، همین کشورهای غربی نه‌تنها حمله ۲۰۰۳ آمریکا به عراق را نادیده گرفتند که برخی مشارکت هم کردند. این تهاجم نظامی که ناقض قوانین بین‌المللی بود، نه تجاوزی که از سوی رهبران غربی «اقدام برای آزادی» نام گرفت. علاوه‌بر این، دهه‌هاست که کشورهای غربی اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط رژیم‌صهیونیستی را نادیده گرفته‌اند و مقاومت مردم فلسطین را تروریسم تلقی کرده‌اند و حتی اجازه پیگیری جنایات اسرائیل در دیوان کیفری بین‌المللی را نداده‌اند.

آمر صلاح می‌نویسد: «رویای جهان چندقطبی یکی از دلایل حمایت جهان عرب از پوتین است. در این روایت، تحلیل‌ها، خیال‌پردازی‌ها، نوستالژی و نارضایتی اعراب از نظم تک‌قطبی حاکم در هم آمیخته است.»

افزایش مخالفت‌ها با ریاض در کنگره آمریکا

رویداد

کمتر از یک هفته پس از همراهی عربستان سعودی با تصمیم اوپک‌پلاس برای کاهش تولید نفت، کنگره آمریکا واکنشی تند علیه ریاض نشان داد و یک سناتور پرنفوذ دمکرات خواستار توقف فوری فروش تسلیحات به عربستان و همکاری‌های امنیتی واشنگتن با ریاض شد. این اظهارات را سناتور رابرت مننذز عنوان کرده که به‌عنوان رئیس کمیته روابط خارجی سنا فعالیت می‌کند. شاید چنین اظهارنظری حاکی از تغییر جدی در سیاست آمریکا در قبال عربستان سعودی باشد.

مننذز با انتقاد از محمد بن سلمان، گفت که همراهی او با کاهش تولید نفت در واقع به تضمین جنگ پوتین از طریق کارتل اوپک‌پلاس کمک کرده است. این سناتور دمکرات گفت: من با هیچ‌گونه همکاری با ریاض تا زمانی که عربستان سعودی در تصمیمش درباره جنگ اوکراین تجدید نظر نکند، موافق نیستم.

دیگر سناتورهای دمکرات از جمله ریچارد بلومنتال و رو کانا مواضع مشابهی را علیه عربستان اتخاذ کردند و در مقاله خود در پولیتیکو، عربستان سعودی را به تضعیف تلاش‌های آمریکا و تقویت و کمک به ولادیمیر پوتین در جنگ اوکراین متهم کردند. این دو سناتور در یادداشت مشترک خود نوشته‌اند: «تصمیم عربستان ضربه‌ای مشخص به آمریکا بود، اما واشنگتن نیز راهی برای پاسخ دارد و می‌تواند به سرعت انتقال گسترده فناوری جنگی را به سعودی‌ها متوقف کند.»

بلومنتال و کانا همچنین خواستار برخورد شدید هر دو حزب دمکرات و جمهوریخواه در برابر «تبانی عربستان با روسیه» شدند و در یادداشت خود نوشته‌اند که چنین برخوردی به این معنی است که شرایط این‌بار با گذشته خیلی فرق دارد.

پیش از آنها نیز، کریس مورفی، یکی دیگر از سناتورهای دمکرات هفته گذشته خواستار ارزیابی مجدد ائتلاف آمریکا با عربستان شده بود و تام مالینوفسکی، نماینده دمکرات از نیوجرسی، پیش‌نویس قانونی را برای خروج نیروهای آمریکایی از عربستان و امارات تهیه کرده است. برنی سندرز، سناتور دمکرات، نیز در واکنش به همراهی عربستان با اوپک‌پلاس گفت که عربستان بعد از این باید خود به فکر تامین امنیتش باشد.

اظهارات مننذز و دیگر سناتورهای دمکرات حاکی از آن است که دمکرات‌ها در کنگره آماده اتخاذ موضع سخت‌تری علیه عربستان سعودی هستند. مواضعی که حتی سخت‌تر از کاخ سفید به‌نظر می‌رسد. جو بایدن اگرچه پیش از این تهدید کرده بود که تمام حمایت‌های آمریکا از عملیات تهاجمی عربستان در یمن را قطع خواهد کرد، اما نشانه‌ای نیست که تاکنون کاخ سفید برای این هدف کاری کرده باشد.

ویلیام هارتانگ، محقق ارشد مؤسسه کوئینسی در گزارشی که گاردین تهیه کرده، اظهارات مننذز را تحسین می‌کند و می‌گوید: «سیاست قطع مناسبات با عربستان باید شامل تمام موارد انتقال تسلیحات، قطعات یدکی و عملیات نگهداری از سوی ارتش سعودی باشد.» این کارشناس منطقه‌ای همچنین می‌گوید: «تعلیق روابط با عربستان نه‌تنها باید به روابط این کشور با روسیه مرتبط باشد، بلکه فشار بر سعودی‌ها، باید آنها را برای جلوگیری و توقف حملات هوایی علیه یمن و رفع محاصره آن کشور متقاعد کند.»

خالد الجبری نیز که پدرش سعد، یک مقام ارشد اطلاعاتی در تبعید عربستان سعودی است، به گاردین می‌گوید: «استفاده سیاسی از نفت احتمالا تأثیر گسترده‌ای بر روابط آمریکا با عربستان خواهد داشت، زیرا آمریکایی‌ها چنین تأثیراتی را در پمپ‌بنزین‌هایشان از نزدیک لمس می‌کنند.»

نقل‌قول

سرگئی لاوروف
وزیر خارجه روسیه

روسیه هیچ‌کسی را با تسلیحات هسته‌ای تهدید نمی‌کند، بلکه این کشورهای غربی هستند که لفاظی‌های هسته‌ای انجام می‌دهند و در تلاشند تا نشان دهند مسکو در حال آماده‌سازی استفاده از تسلیحات کشتارجمعی است. مسکو آماده گفت‌وگو با غرب درباره جنگ اوکراین است، اما هنوز هیچ پیشنهاد جدی برای مذاکره دریافت نکرده است. (خبرگزاری تاس)

ماهاتیر محمد
نخست‌وزیر سابق مالزی

قصد دارم در انتخابات پارلمانی که در چند هفته آینده برگزار می‌شود نامزد شوم. درصورت برنده شدن در انتخابات برای نخست‌وزیری نامزد نخواهم شد. هنوز تصمیم نگرفته‌ایم چه‌کسی را به‌عنوان نامزد نخست‌وزیری تعیین کنیم؛ پس از پیروزی در این‌باره تصمیم‌گیری می‌کنیم. (خبرگزاری کیودو)

مولود چاووش‌اوغلو
وزیر خارجه ترکیه

بدون گفت‌وگو با روسیه امکان رسیدن به آتش‌بس وجود ندارد. ادامه درگیری‌ها میان اوکراین و روسیه وضعیت را در منطقه پیچیده‌تر و پایان بحران را سخت‌تر می‌کند. دور آخر مذاکرات در استانبول بر پیشروی طرف‌ها در میدان نبرد متمرکز بود. به‌نظر می‌رسد که چنین رویکردی همچنان ادامه دارد. این مسئله امکان رسیدن به صلح را کاهش می‌دهد. (خبرگزاری آناتولی)

خبر

خط و نشان دولت فرانسه علیه اعتصاب پالایشگاه‌ها

همزمان با ادامه اعتصاب‌های کارگری در فرانسه در بخش نفت و گاز و پالایشگاه‌های این کشور، یک مقام دولت روز سه‌شنبه تهدید کرد درصورت ادامه اعتصاب در پالایشگاه‌های شرکت توتال و اسو-اگزون‌موبیل، ذخایر این دو شرکت مصادره خواهد شد. گفته شده مصادره ذخایر این پالایشگاه‌ها با هدف جبران کمبود سوخت در پمپ بنزین‌های فرانسه صورت خواهد گرفت. به گزارش یورونیوز، این موضع دولت را برونو لو مر، وزیر اقتصاد و دارایی فرانسه صبح سه‌شنبه و در حاشیه یک برنامه رادیویی اعلام کرد و گفت: «بهترین کار برای پایان اعتصاب‌ها، فرصت دادن دوباره به گفت‌وگوها میان کارگران و کارفرما در توتال است. یا مذاکرات به بار می‌نشیند و مسئله حل می‌شود یا اعتصاب ادامه پیدا می‌کند و در این حالت، ما به تمام ابزارهای قانونی و ازجمله مصادره ذخایر سوخت متوسل خواهیم شد.» اعتصاب در پالایشگاه‌ها و شماری از پمپ‌بنزین‌های وابسته به توتال و اسو-اگزون‌موبیل باعث کمبود و حتی نبود بنزین و گازوئیل در یک سوم جایگاه‌های سوخت‌رسانی در فرانسه شده است. در پی این بحران، قیمت سوخت هم با وجود کاهش ناشی از رکود در بازارهای جهانی در پمپ‌بنزین‌های این کشور افزایش یافت. مصادره ذخایر سوخت به‌معنای ورود نیروهای امنیتی به پالایشگاه‌هایی است که در اعتصاب به‌سرمی‌برند.

مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۱/۰۶۴

شرکت خدمات انفورماتیک (سهامی عام) در نظر دارد تأمین تجهیزات مورد نیاز خود به شرح ذیل را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.

موضوع مناقصه	مهلت دریافت اسناد و تحویل پاکات پیشنهادی	سپردهٔ شرکت در مناقصه
تأمین و تحویل اجزاء و قطعات ذخیره‌ساز، مطابق مشخصات مندرج در اسناد مناقصه	تا ساعت ۱۵:۰۰ روز چهارشنبه، مورخه ۱۴۰۱/۰۸/۰۴	ضمانتنامه بانکی و یا واریز وجه به میزان ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

شرایط اخذ اسناد: از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید جهت اخذ اسناد مناقصه در ساعات اداری (۸ الی ۱۶)، به نشانی: تهران، بلوار میرداماد، میدان مادر، خیابان شاه‌نظری، خیابان مددکاران (نظام سابق)، تقاطع خواجوی، پلاک ۶، طبقه همکف، دبیرخانه مناقصات (آقای شجاعی ـ شماره تماس ۲۷۳۷۰) مراجعه نمایند.
جهت اخذ اسناد مناقصه ارائه مدارک ذیل الزامی است:
● معرفی‌نامه معتبر از جانب شرکت مناقصه‌گر
● ارائه گواهینامه معتبر رتبه‌بندی از سازمان برنامه و بودجه کشور در زمینه تولید و ارائه رایانه‌های غیر Main frame
محل تحویل پاکات پیشنهادی، آدرس فوق، دبیرخانهٔ مرکزی شرکت خدمات انفورماتیک می‌باشد.

شرکت خدمات انفورماتیک در رد یا قبول پیشنهادات ارائه شده مختار بوده و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

همشهری در شبکه‌های اجتماعی همراه شماست
telegram @hamshahrinews
instagram hamshahrinewspaper